

# آیین قلندری مکتوب

جوادی حصار | سردبیر اسبق روزنامه خراسان



زنگی به صدا در می آید و همکاری بعد از سلام و عنایت می خواهد که به پاسداشت بیست هزارمین شماره انتشار خراسان چیزی بنویسم. طبق عادت مألوف پس از مدتی جست و جوو کنکاش در باب چرایی این درخواست، تفالی می زبم به حضرت حافظ. جناب "لسان الغیب" چونان همیشه ذهنیت رami خواند!

می خواستم درباره "سردبیران خراسان" از ابتداتان کنون، به قدر بضاعت انجام وظیفه کنم که حضرتش فرمود: حسب حالی نوشتیم و شد ایامی چند / محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند

از کمترین سردبیران خراسان - نگارنده این سطور - که بگذرم، شرح حال بزرگانی که در کسوت سردبیری خراسان یا اعضای تحریریه آن قلم زده اند؛ کاری است صعب که جز با مبدجوبی از انقاس قدسی "حضرت لسان الغیب" به سامان نمی رسد، چرا که جز به امداد فیض روح القدسی او امثال ما را نرسد تا برای زنده سازی یادپیشینیان، مسیحادم شوند و حیات و نشاط را با عیش و مستی در آمیزند.

یاد کردی از بزرگانی چون «دکتر علی شریعتی» که دو سال و اندی کمتری بیشتر مسئولیت هایی را در خراسان بر دوش کشید و طی این مدت خراسان را بدل کرد به مصداق عملی «برادر جان خراسان است اینجا / سخن گفتن نه آسان است اینجا» - همان شعاری که از ابتدای زینت بخش و معرف روزنامه مانای خراسان شد؛ کار را چنان صعب و سترگ می سازد که پس از وی هر کس به آسانی نمی تواند بر جای او تکیه زند. راستی را که: «نه هر که چهره برافروخت دلبری داند» و هر کس قلم بر کف گرفت و آینه سازی پیشه ساخت را ادعای رازدانی و اسکندری راحت نمی نماید. آنان که پس از دکتر شریعتی به جای او آمدند و رفتند نیز به نیکویی دانستند که اگر خدمت عالمانه و خالصانه پیشه کنند - بی پروای نام و نان - دوستان خراسان که مردم فهیم و بزرگ این سامان هستند، آداب پاسداشت و بنده پروری

خادمان فرهنگ و ادب رami داند، چنان که قدر فخرالدین حجازی ها را دانستند.

وقتی از همکاری در خراسان شنیدم که مشترکی گفته بود: "روزهای برفی و بارانی پای دیوار می ایستم تا وقتی موزع روزنامه را از روی دیوار به خانه روانه می کند، میان آسمان و زمین در ربایمیش، مبادا که گل اندود گردد."

این است داستان پیک مشتاقی و حدیث دلبردگی و دلدادگی مردم بآن.

به حقیقت باید دریافت، آن «هزار نکته باریک ترز مویی» را که صاحب نظران و کاردانان این جریده دانستند و بارعایت آن ها وادی قلمزنی را «سرتر اشیدند و قلندری کردند».

با نقل حکایتی کوتاه از چنین نکته دانی هایی به یاد کرد از بزرگان خراسان پرداخته برای وارثان ایشان در آینده کامیابی آرزوی کنم. «نقل است که در هنگام مسئولیت دکتر شریعتی یکی از مرتبطین با دستگاه حاکمه! که در تحریریه آمد و شد داشت، مطلبی را برای چاپ به روزنامه می سپارد و معاون سردبیر چندین بار آن را به دکتر می دهد و او مطلب را بر می گرداند و در «گارس» بایگانی می شود. از قضا دکتر شریعتی بیمار می شود یا چند روزی به مرخصی می رود معاون محترم تحریریه از موقعیت استفاده کرده آن مطلب را به چاپ می سپارد البته با چند قلم توضیح و تفسیر و عذر تقصیر به خاطر مدتی تاخیر.

دکتر که برمی گردد و از دلیل این اتفاق جویا می شود به معاون سردبیر می گوید: «داستان شما

به قصه رقصیدن آن بانومی ماند که مجبور شد بر قصد تا جان مرد خویش را نجات دهد و مرد پس از پایان ماجرا گفت رقصیدن را پذیرفتم اما با خوش رقصی ات چگونه کنار آیم».

باری در خراسان پس از دکتر شریعتی در پیش از انقلاب تا آن جا که می دانم فخرالدین حجازی و پس از آن جلیل تهرانیان کارهای تحریریه را سامان داده اند و در آستانه انقلاب حدود ۲۴ روز را در اعتصاب و تعطیلی گذرانده اند و پس از رفتن شاه دوباره خراسان کارش را آغاز می کند. در این مدت بیشتر همان آقای جلیل تهرانیان به همراه اعضای تحریریه روزنامه را اداره می کرده اند تا می رسد به خرداد ۵۹ و مصادره روزنامه از سوی دولت و واگذاری آن به بنیاد مستضعفان، در این میان افرادی چون جنابان "حمیدزاهدی" که پس از مدتی به رادیو تهران می رود و "روحانی نژاد" که پس از خراسان به آستان قدس می پیوندد و جناب "دکتر دانشور" و سپس آقای "مجید امامی" کار سردبیری را ادامه می دهند. آقای "محمد خیبری" نیز پس از واگذاری روزنامه به بنیاد، مدتی امر سرپرستی و زمانی امور تحریریه روزنامه را مدیریت کرد تا انتقال دیگری صورت گرفت و روزنامه به بنیاد شهید واگذار شد.

با آمدن آقای ابوالفضل موسویان به روزنامه خراسان روزنامه مقداری بیشتر از گذشته رنگ سیاست گرفت و در این مرحله سردبیری خراسان به عهده آقای "ناصر آملی مقدم" بود. اولین اسرای جنگی که به کشور برگشتند من

مقاله ای نوشتم و به خراسان سپردم برای انتشار. از قضا چنان که بعدها مطلع شدم آقای آملی از مدتی قبل در پی کناره گیری از سردبیری بوده و به قول خودش فرد مناسب را نمی یافته اند. بادیید مقاله من ایشان و آقای موسویان به مطلوب رسیده و بنده را دعوت به کار کردند. من حدود یک سال و اندی در تحریریه خراسان خدمت کردم و آموختم تا نقدیر سر نوشت دیگری رقم زد و از «خراسان» رفتم.

کاتب که خویش را در ادامه سلسله جلیله سردبیران خراسان یافته بود، آن گاه که بزرگی ها و ادمردی هایشان را مرور می کرد با جان و دل خویش را غلام همت رندان عافیت سوزی یافت که در اوج تنگنای طاقت سوز فقر و فلاکت کیمیاگری کرده با اکسیر عیش و مستی، فقر و فاقه را به استغنائی از غیر مردم بدل کرده اند.

آنان وفا و عهد را به نیکویی هر چه تمامتر آموختند تا در مصاف با هر چه غیر حقیقت بود جانب مردم را و آنهند و این گونه بود که نامداران این عرصه گشتند و گر نه جانب اربابان زور و زور و زور را گرفتند و در حق مردم ستم روا داشتند راز حمتی نبوده و نیست.

قلمزنان خراسان در تمامی ادوار جز در مواردی اندک مسیر مردمداری و میانه روی را هر ارا هر کردند. مردمداری و توجه به نیازها و ضرورت های زندگی آن ها از خراسان جریده ای ساخت که هر بامداد اهالی این سامان آنسان که چشم بر آسمان داشتند تا خورشید بر دم دیده بر در دوخته بودند تا پیک بامدادی، نامه خراسان را به ایشان برساند. این شرح مختصر از بی نهایت «خراسان»، حرفی است از هزاران، کاند حکایت آمد.

به مانایی مهر مانا بوند / هنر پرورانی که دانا بوند

جوادی حصار ۹۷/۱۰/۰۲ مشهد مقدس

۶۶

از همکاری در خراسان شنیدم

که مشترکی گفته بود:

روزهای برفی و بارانی پای

دیوار می ایستم تا وقتی موزع

روزنامه را از روی دیوار به خانه

روانه می کند میان آسمان

و زمین در ربایمیش،

مبادا که گل اندود

گردد. این است داستان

پیک مشتاقی و حدیث

دلبردگی و دلدادگی

مردم بآن

یکی از نخستین تبلیغات دارویی در روزنامه خراسان - ۱۳۲۸

دیفتری سیاه سر فیه تانوز

همیشه اطفال را تهدید و زندگی آنها را به خطر میاندازد قبل از اینکه اطفال شما مبتلا بامراض خطرناک:

دیفتری - سیاه سر فیه - تانوز بنولد با تزریق واکسن D.P.T (د . پ . ت)

اطفال خود را بیمه نمائید تسایده انحصاری شرکت بازرگانی د پ ۴۰

تهران - ناصر خسرو محل فروش: کلبه دایو خانه های معتبر کنور

ش - ۲۷

نخستین تبلیغ چاپ شده در روزنامه خراسان - اول تیر ۱۳۲۸

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری



تمام محتانی را که از رادیو های مختلف برق و بخاری افکار دارند

در اندر با جمع است آندریانو های امتاز شاهکار صنعت دایو

ی برق و با برق کار میکند آندریا بهترین و قوی ترین

نوع رادیو باطری دار است

شماره ۱ - شماره ۲ - شماره ۳ - سوره رادیو - مهتدی بهتانی

بلافاصله از روزنامه خراسان

الالب آفایان گله میکنند چرا روزنامه برای ایشان فرستاده میشود لازم دانستیم برای رفع گله و هم برای اطلاع علاقه مندان باین روزنامه آگهی نمائیم که روزنامه خراسان تحبیلی نیست و ما نمیتوانیم تشخیص بدهیم چه اشخاصی علاقه باشتراك این روزنامه دارند که برای آنان روزنامه بفرستیم این است که بدون درخواست و تقاضای کتبی نمیتوانیم روزنامه برای آفایان ارسال نمائیم از آفایان محترم در مشهد و شهرستانها که علاقه مندان باین روزنامه هستند و مایلند که روزنامه برای ایشان فرستاده شود خواهشمندیم تقاضا نامه کتبی با آدرس کامل خود بدفتر روزنامه بفرستند تا روزنامه مرتب برای آنان فرستاده شود